

# پیش‌پرده و پیش‌پرده‌خوانی در ایران

همراه با متن مهم‌ترین پیش‌پرده‌ها

عباس بهارلو

## یادداشت

در دهه ۱۳۷۰ که در تدارک انتشار نخستین مجله‌های «فيلم‌شناسی ایران» (فيلم‌شناسی سینمای ایران) بودم، و در دهه ۱۳۸۰ که گیت و گرامی فصلی «تاریخ نظامی سینمای ایران» را به درخواست موزه سینما انجام می‌دادم، هرچندان بسیاری از مدل مفهومی و میثاقی سینما را می‌دیدم که برخی از آن‌ها پیشه و فعالیت تئوری هم داشتند و از پدیده پیش‌برده‌خوانی در دهه ۱۳۲۰ سخن می‌گفتند. حمید قنبری، عزت‌الله انتظامی، مرتضی احمدی و نفیست‌الله کویس خاطرات ممتاز و روشنی از آن دوره داشتند. قبل از همه نمونه‌هایی از تصنیف‌های چاپ‌شده پیش‌برده‌ها را در منزل حمید قنبری دیدم. از آن پرویز خطیبی می‌گفت و از هم‌کاری‌شان در نمازخانه‌های لاله‌زار و رادین و استعداد و سرعت شگرف خطیبی در ترسیم پیش‌برده‌های اجتمالی می‌گفت. بعد خاطرهای را از اجرای پیش‌برده «ایفوس در آتریوم» در «لاپاسینما» تارک سیاه نقل کرد که

## فهرست

- یادداشت..... ۷
- پیش‌برده‌های نمایشی و پیش‌برده‌خوانی ..... ۱۱
- منابع ..... ۶۳
- نمونه‌هایی از تصنیف‌های پیش‌برده‌ها..... ۶۹
- آلبوم عکس‌ها..... ۱۸۳

## یادداشت

در دهه ۱۳۷۰ که در تدارک انتشار نخستین مجلدهای «فیلم‌شناخت ایران» (فیلم‌شناسی سینمای ایران) بودم، و در دهه ۱۳۸۰ که گفت‌وگوهای تفصیلی «تاریخ شفاهی سینمای ایران» را به درخواست موزه سینما انجام می‌دادم، هنرمندان بسیاری از نسل متقدم و میانی سینما را می‌دیدم که برخی از آن‌ها پیشینه و فعالیت تناتری هم داشتند و از پدیده پیش‌برده‌خوانی در دهه ۱۳۲۰ سخن می‌گفتند. حمید قنبری، عزت‌الله انتظامی، مرتضی احمدی و نصرت‌الله کریمی خاطرات ممتاز و روشنی از آن دوره داشتند. قبل از همه نمونه‌هایی از تصنیف‌های چاپ‌شده پیش‌برده‌ها را در منزل حمید قنبری دیدم. او از پرویز خطیبی می‌گفت و از هم‌کاری‌شان در تماشاخانه‌های لاله‌زار و رادیو، و استعداد و سرعت شگرف خطیبی در نوشتن پیش‌برده‌های اجتماعی. در روزهای بعد خاطره‌اش را از اجرای پیش‌برده «تیفوس در اتوبوس» در تالار «سینما - تئاتر سپه» نقل کرد که چه‌گونه حرکات فرد آستر، بازیگر دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ هالیوود، را تقلید کرده، و سپس با الهام از حرکات او «استپ» زدن را وارد حرکات نمایشی در پیش‌برده‌ها کرده است. قنبری می‌گفت که به همین منظور نزد استاد کفاشی رفته و از او خواسته که تخت کفش‌هایش را استپ بزند تا موقع اجرای

پیش‌پرده صدای پاشنه و پنجه کفش‌هایش با حرکات او هماهنگ باشد. آن روز در بازآفرینی آن پیش‌پرده یک کلاه سیلندر به سر و یک عصا هم در دست داشت. بعد بلند شد و در سالن پذیرایی خانه‌اش روبه‌روی من ایستاد و خواند: «دیروز داشتم من کاری/ یک تعجیل بسیاری/ از برای انجام اون کار دیدم/ اگر پیاده راه بیفتم تو جاده/ می‌خواهد یک وقت بسیار/ یک وقت اتوبوس دیدم/ از هولم پریدم/ رفتم رورکاب/ از بس که جای من تنگ بود/ کله من منگ بود/ بدم در عذاب.» و هر جا که لازم بود روی فرشی که وسط میل‌های پذیرایی خانه‌اش را پوشانده بود استپ می‌زد. چنان می‌خواند که گویی در تالاری بزرگ انبوهی از مردم به او چشم دوخته‌اند: «آخرش با صد افسوس/ رفتم تو اتوبوس/ هر طرف می‌گشتم پی جا/ همین وقت یک دختری/ دختر مه‌پیکری/ بی‌خود با من کرد دعوا/ گفتش ای میکروب تیفوس/ ای سیاه منحوس/ مگر کوری/ نجسب این قدر به من/ احمق، ای پست جُعَلق/ گویا مستی.» وقتی تشویقش کردم کفِ دودستش را روی سینه‌اش گذاشت و کمی به جلو خم شد. گفت: آن شب، و شب‌های بعد آن چنان تشویق شد که ناگزیر شده بود چند بار جلو صحنه برود و به ابراز احساسات مردم پاسخ بدهد.

انتظامی و احمدی و کریمی هم خاطرات منحصر به فردی از سال‌های پیش‌پرده‌خوانی داشتند، و هر کدام‌شان پاره‌ای از تصنیف‌های سال‌های جوانی خود را از بر می‌خواندند. من هم در یک‌دو دهه بعد، حدود پانصد تصنیفی از نوشته‌های پرویز خطیبی و غلامعلی شعبانی و عباس تفکری را جمع‌آوری کردم که همه آن‌ها در گوشه‌ای از خانه خاک می‌خوردند. تا این‌که چند سال پیش دوستی از من خواست مدخل‌هایی با موضوع فرهنگ عامه برای «دانشنامه فرهنگ مردم ایران» بنویسم. عنوان یکی از آن مدخل‌ها «پیش‌پرده و پیش‌پرده‌خوانی در ایران» بود که در جلد دوم آن دانشنامه منتشر شده است.

در واقع این کتاب روایت جدیدی از آن مدخل به انضمام نمونه‌هایی از متن تصنیف پیش‌پرده‌ها و عکس‌هایی است که درج آن‌ها از لحاظ دریافت مطاوی متن حاضر ضرورت دارد. لازم می‌دانم یادآوری کنم که همه پیش‌پرده‌ها و قطعه‌های فکاهی که در بخش پایانی کتاب درج شده است از میان تصنیف‌های سروده خطیبی انتخاب شده‌اند.

عباس بهارلو

مرداد ۱۳۹۶